

Presenting an Interpretive Structural Framework for Entrepreneurship Development in Higher Education with Social and Economic Consequences (Case study: University Central Tehran Branch)

Abstract

This study was conducted with the aim of providing a framework for entrepreneurship development in higher education based on social and economic consequences. In this research, mixed quantitative and qualitative methods were used for modeling. The statistical population of the qualitative stage was 10 entrepreneurship experts and professors of the entrepreneurship department. The sampling method was snowball. The statistical population of the quantitative stage was 80 experts and specialists in the field of entrepreneurship who were selected by cluster sampling method. The data collection tool was semi-structured in qualitative stage, documentation (systematic review) and in-depth interview, and its reliability was confirmed by the internal agreement of the coding partner. Quantitative research method is interpretive structural modeling for leveling categories. Structural equations were used to confirm the relationships between the components. The results showed that entrepreneurship development has seven levels: community value infrastructure in the first level, culture building in the society and government requirements in the second level, social entrepreneurship university structure and policy-making and setting goals for social entrepreneurial development. University and Management and Human Capital Prerequisites of Universities at Level Three, Activities and Measures and Academic Communications and Interagency Interactions at Level Four, Student Prerequisites at Level Five, Student Activities and Levels at Level Six Strengthening the position of the Social Entrepreneur University in the community is at level seven. Finally, the results showed that the consequences of entrepreneurship development have four levels. Increasing social and personal skills and learning, promoting the position of universities and students in society, cultural development at the first level, developing social entrepreneurship values at the second level, increasing employment at the third level and solving economic and social problems at the level is located fourth. Therefore, it can be said that the final consequence of entrepreneurship development in higher education is solving economic and social problems.

Keywords: Economic and Social Consequences, Entrepreneurship, Entrepreneurship Development, Higher Education.

JEL classification: L21, A2, I2, Z13.

ارائه چارچوب ساختاری تفسیری توسعه کارآفرینی در آموزش عالی با پیامد اجتماعی و اقتصادی (مطالعه موردی):
 دانشگاه تهران مرکزی)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۱

فاطمه مصطفی زاده^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۳

جلال حقیقت منفرد^۲

محمد علی کرامتی^۳

چکیده

این پژوهش با هدف ارائه چارچوب توسعه کارآفرینی در آموزش عالی مبتنی بر پیامدهای اجتماعی و اقتصادی اجرایی شد. در این تحقیق جهت مدلسازی از روش‌های آمیخته کمی و کیفی استفاده شد. جامعه آماری مرحله کیفی، ۱۰ نفر از خبرگان کارآفرینی و اساتید گروه تخصصی کارآفرینی بود. روش نمونه‌گیری، گلوله‌برفی بوده جامعه آماری مرحله کمی ۸۰ نفر از کارشناسان و متخصصان حوزه کارآفرینی که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزارگردآوری داده‌ها در مرحله کیفی، مستندات (مرورسیستماتیک) و مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته بود و پایایی آن با توافق درونی کدگذاری همکار تأیید شد. روش پژوهش مرحله کمی، مدلسازی ساختاری تفسیری جهت سطح بندی مقوله‌ها است. جهت تأیید روابط بین مؤلفه‌ها از معادلات ساختاری بهره‌گرفته شد. نتایج نشان داد پیش‌نیازهای توسعه کارآفرینی دارای هفت سطح است که زیرساخت-های ارزشی جامعه در سطح اول، فرهنگ‌سازی در جامعه و پیش‌نیازها دولتی در سطح دو، ساختار دانشگاه کارآفرینی اجتماعی و سیاست‌گذاری و تعیین اهداف توسعه کارآفرینانه اجتماعی دانشگاه و پیش‌نیازهای مدیریتی و سرمایه‌انسانی دانشگاه‌ها در سطح سه، فعالیت‌ها و اقدامات و ارتباطات دانشگاهی و تعاملات بین نهادی در سطح چهار، پیش‌نیازهای دانشجویی در سطح پنج، فعالیت‌ها و اقدامات دانشجویان در سطح شش، تقویت جایگاه دانشگاه کارآفرین اجتماعی در جامعه در سطح هفت قرار دارد. در نهایت نتایج نشان داد پیامدهای توسعه کارآفرینی از چهار سطح برخوردار است. که افزایش مهارت‌ها و یادگیری اجتماعی و فردی، ارتقاء جایگاه دانشگاه و دانشجو در جامعه، گسترش فرهنگی در سطح اول، توسعه ارزش‌های کارآفرینی اجتماعی در سطح دوم، افزایش اشتغال‌زایی در سطح سوم و حل مسائل اقتصادی و اجتماعی در سطح چهارم قرار گرفته است. لذا می‌توان گفت پیامد نهایی توسعه کارآفرینی در آموزش عالی حل مسائل اقتصادی و اجتماعی است.

واژه‌های کلیدی: آموزش عالی، توسعه کارآفرینی، کارآفرینی، پیامد اقتصادی و اجتماعی.

طبقه بندی JEL: L21 , A2, I2, Z13

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت کارآفرینی، گروه مدیریت کارآفرینی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. mostafazade68@gmail.com

^۲ استادیار، گروه مدیریت صنعتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). jhm1847@gmail.com

^۳ دانشیار، گروه مدیریت صنعتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران mohammadalikeramati@yahoo.com

در اکثر کشورهای مختلف توجه به افراد موفق و کارآفرینان می‌شود و تقویت نوآوری‌ها و موفقیت‌ها و ایجاد بستر مناسب برای این امر از ابزارهای پیشرفت اقتصادی کشورها و به ویژه کشورهای در حال توسعه به شمار می‌آید؛ زیرا فعالیت کارآفرینی با اثربخشی زیاد منجر به توسعه اقتصادی (ایجاد اشتغال، نوآوری در فعالیت‌ها، رقابت پذیری و غیره) می‌شود (میرزامحمدی و همکاران، ۱۳۹۹). کارآفرینی در اکثر کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه نیز، اصلی‌ترین منبع توسعه و اشتغال‌زایی، مدنظر قرار گرفته است. به عبارتی دیگر، توسعه کارآفرینی به عنوان موتور تغییر در تعادل اقتصادی، یکی از فرایندهای جدی توسعه پایدار به ویژه در در قرن بیست و یکم و اقتصاد مبتنی بر دانش امروز است (برگلاند، ۲۰۱۲؛ ژانو، ۲۰۱۲؛ کینگومبی، ۲۰۱۱). دانشگاه‌ها نیز امروزه به انجام فعالیت‌های کارآفرینانه روی آورده‌اند. با وجود پیدایش آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها، اما هنوز توافق کلی روی محتوای موضوعات کارآفرینی وجود ندارد (ابدوه و همکاران، ۲۰۱۲). و نقش دانشگاه کارآفرین در محیط پویای اقتصاد دانشی، پشتیبانی از توسعه اقتصادی با افزایش تعداد و کیفیت تحقیقات و انتقال سریع دانش جدید به جامعه از طریق آموزش و کارآفرینی است (سلطان، ۲۰۱۷).

امروزه که نیاز به کارآفرینی سازمانی احساس می‌شود، سازمان‌ها باید درصدد شناسایی عواملی برای توسعه آن باشند، سازمان‌ها برای آن که توسعه کارآفرینی را در سازمان نهادینه کنند، باید شرایطی مناسب برای کارآفرینی و آموزش آن ایجاد نمایند (محمدی و اخوان، ۱۳۹۷). و دانشگاه کارآفرین نیز نقش تفکر، رهبری و فعالیت در راستای تقویت سرمایه کارآفرین را دارد (آبودریتسچ، ۲۰۱۴).

مطالعه وضعیت آموزش عالی از نظر کارآفرینی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا امروزه بیکاری دانش‌آموختگان این بخش از آموزش عالی به یکی از چالش‌های اساسی تبدیل شده و ذهن تمامی دانشگاه‌ها و آموزش عالی را به خود مشغول کرده است. بررسی روند اشتغال و بیکاری دانش‌آموختگان آموزش عالی از رشته کارآفرینی نشان می‌دهد که این بخش از آموزش عالی با سهمی زیادی از بیکاری را شامل می‌شود. لذا آموزش و توسعه کارآفرینی در دانشگاه باید به شکلی صورت گیرد که تبدیل به دانشگاه کارآفرین شود.

استفاده از مطالعات کیفی به ویژه روش تحلیل مضمون زمانی ضرورت پیدا می‌کند که اطلاعات اندکی در مورد پدیده مورد مطالعه وجود داشته باشد و یا این‌که در مطالعات و تحقیقات انجام شده در ارتباط با موضوع مورد نظر، فقدان یک تئوری که به صورتی جامع به تبیین موضوع بپردازد، مشهود باشد. علی‌رغم مطالعات و تحقیقاتی که در حوزه دانشگاه‌های کارآفرین و کارآفرینی اجتماعی انجام شده است، بطور مستقیم و مفصل به توسعه کارآفرینی اجتماعی در نظام آموزش عالی در کشور پرداخته نشده است. لذا نبود چنین پژوهش‌هایی ضرورت استفاده از این شیوه تحلیل را مطرح می‌کند. و با توجه به پایین بودن ویژگی‌های کارآفرینی در میان

۱. Berglund, K

۲. Zhou, M

۳. Kingombe, C

۴. Abduh, M

۵. Sultan

۶. Audretsch

دانشجویان و فارغ التحصیلان، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که چارچوب توسعه کارآفرینی در آموزش عالی وجود ندارد. لذا نوآوری تحقیق حاضر پرداختن به این مسئله است. که پس از اجرای تکنیک تم و رویکرد ترکیبی، و مدلسازی ساختاری تفسیری، چارچوب ساختاری تفسیری توسعه کارآفرینی در آموزش عالی ارائه خواهد شد و هدف تحقیق حاضر نیز ارائه چارچوب ساختاری تفسیری توسعه کارآفرینی در آموزش عالی است.

مرور ادبیات

توسعه کارآفرینی

اکثر محققان کارآفرینی معتقدند که بخش عمده‌ای از آنچه فعالیت کارآفرینی نامیده می‌شود، نتیجه مستقیم نیست افراد و فعالیت‌های متعاقب آن در طول یک دوره زمانی قابل ملاحظه می‌باشد (فلاح تفتی و همکاران، ۱۳۹۹). و کارآفرینی مقوله‌ای است که بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه از آن در شکوفایی اقتصاد کشورهای خود یاری می‌گیرند و بی‌شک توسعه کارآفرینی در اقتصاد کشورها نیز بستر فرهنگی برای گرایش مردم به این شیوه فعالیت اقتصادی دارد (سخدری و عقیلی، ۱۳۹۷). شیر و همکاران (۲۰۱۹) عواملی چون اهمیت استقلال و خودمختاری را برای کارآفرینی از عوامل بسیار تأثیرگذار مطرح کرده‌اند.

اگر دولتها، بسترهای حقوقی و قانونی مورد نیاز، جهت کارکرد صحیح مبادلات خصوصی بازاری را فراهم آورند. یعنی ابتدا با تدبیر در عوامل شکل دهنده ساختار انگیزشی، بازده فعالیت در بخش مولد را فراتر از بخش غیر مولد هدایت کنند، منابع (اعم از مالی و استعدادهای فردی) به بخش کارآفرینی و تولیدی روی می‌آورند. لذا با این تدبیر، با حرکت استعداد های برتر به بخش کارآفرینی موجب افزایش خلاقیت، نوآوری و در نتیجه افزایش نرخ رشد بخش تولیدی (واقعی) می‌شود، و چون چنین فعالیت‌هایی در بخش واقعی با ایجاد ارزش افزوده، بازی مجموع مثبتی را ایجاد می‌کند، علاوه بر بزرگتر شدن بخش واقعی اقتصاد و تأمین نیاز های واقعی مردم، موجب و افزایش رفاه اجتماعی خواهد شد (واعظ و همکاران، ۱۳۹۳).

توسعه کارآفرینی با ترویج فرهنگ کارآفرینی و ارتقاء سطح فعالیت‌های کارآفرینانه محقق می‌شود (علوی و همکاران، ۱۳۹۹). از جمله دلایل توجه به توسعه کارآفرینی، می‌توان به قدرت آن در ایجاد کسب و کارهای جدید با ارزش افزوده بالا، توسعه کسب و کارهای موجود، رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی، کاهش نرخ بیکاری و در نهایت افزایش سرانه تولید و برقراری عدالت اجتماعی اشاره کرد (کریمخانی، ۱۳۹۲). ورکیانی‌پور و همکاران (۱۳۹۸) ابعاد مدل توسعه کارآفرینی را شامل عوامل فردی، شبکه‌ای، محیطی و سازمانی می‌دانند. گودرزی و همکاران (۱۳۹۷) هفت بُعد فرهنگ کارآفرینی شامل نقش دولت، ساختار دانشگاه‌ها شیوه آموزشی دانشگاه، تحقیق و تجاری سازی، ارتباطات بیرونی و زیرساخت مالی، ابعاد توسعه دانشگاه کارآفرین در حوزه علوم انسانی هستند. ایمانی و همکاران (۱۳۹۶) نشان داده‌اند که خط‌مشی‌های حوزه بستر سازی، حوزه هدایت و عملیاتی و حوزه تثبیت و نهادینه‌سازی به ترتیب در رتبه‌های اول تا سوم از عوامل اثرگذار بر توسعه کارآفرینی می‌باشند. رمضانپور و نرگسی (۱۳۹۴) عوامل کلیدی موثر بر توسعه کارآفرینی فناورانه در شرکت‌های دانش بنیان مستقر در پارک‌های علم نشان دادند که؛ عناصری نظیر دولت و فناوری در ایران دانشگاه، سرمایه، زیر

ساخت، بازار، مشتریان، مشاوران و کارآفرینان فناوری مهمترین عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی فناورانه محسوب می‌شوند. دیوسالار و بزرگی (۱۳۹۱) مهم‌ترین آثار توسعه کارآفرینی، افزایش نوآوری، ارتقای سطح فناوری، افزایش اشتغال، تولید دانش فنی و تولید و توزیع درآمد در سطح جامعه است؛ که در نتیجه می‌تواند افزایش ثروت ملی و رشد اقتصادی جامعه را در بر داشته باشد.

نقش اقتصادی و اجتماعی کارآفرینی

در اقتصاد دانش‌محور که از ویژگی‌های بارز آن تغییرات مداوم در بازار کار و تغییرات در فناوری است، سرمایه انسانی اهمیت فزاینده می‌یابد. در اقتصاد دانش‌محور تقاضا برای مهارت‌هایی که بتوانند با سیستم‌های پیچیده کار کنند، افزایش می‌یابد. به همین دلیل نیروی کار بسیار ماهر بخش اعظم عوامل تولید و اقتصاد جدید را تشکیل می‌دهد. لذا دولت‌های جهان اعم از صنعتی و درحال توسعه، مصمم شده‌اند تا آموزش و کسب مهارت‌ها را به سمت اقتصاد دانش‌محور متحول سازند. بنابراین سرمایه‌گذاری برای آموزش و افزایش مهارت‌های افراد جامعه در عصر دانش‌محور بیش از گذشته ضروری است. این سرمایه‌گذاری می‌تواند از طریق آموزش عالی شکل گیرد (فتح‌اللهی و همکاران، ۱۳۹۴). در بسیاری از کشورهای پیشرفته و نیز برخی کشورهای درحال توسعه طی چند دهه اخیر توجه خاصی به موضوع کارآفرینی شده است. علت توجه به این موضوع، نقش مهم، مثبت و سازنده کارآفرینان در توسعه اقتصادی و اجتماعی، بهره‌برداری از انرژی و نیروی بالقوه آنان در جهت مقابله با مسائل و چالش‌هایی نظیر تورم، رکود و به‌خصوص بیکاری بوده است. شرایط محیطی که کارآفرینی در آن صورت می‌گیرد، نقش مهمی در پیشبرد اهداف کارآفرینی دارد. عوامل تعیین‌کننده محیطی را می‌توان همان زیر ساختارهای محیطی که شامل ساختارهای اقتصادی و اجتماعی است نام برد (شجاعی و علیزاده، ۱۳۹۹).

آموزش عالی

بررسی اسناد و مدارک موجود، نشان می‌دهد که بیش از یک قرن از سابقه تولید و انتشار معرفت علمی در حوزه اقتصاد و حدود ۷۰ سال از شکل‌گیری برنامه آموزش رسمی دانشگاهی در ایران سپری می‌شود سابقه تولید و انتشار دانش اقتصاد به صورت دانش مدون و محصول عصر نو، از سابقه آموزش دانشگاهی علوم جدید در کشورمان بیشتر و عمیق‌تر است (شهنازی و پناهی، ۱۳۹۶). آموزش عالی یکی از زیرساخت‌های مهم نظام آموزشی هر کشور می‌باشد. که وظیفه آن تربیت نیروی متخصص در زمینه‌های مختلف، پژوهش و ارائه خدمات تخصصی در حوزه‌های متنوع علم و فناوری به جامعه است در عصر حاضر، جوامع پیوند هرچه بیشتر بین آموزش عالی و برنامه‌های پیشرفت ملی و ارتقای دانش و فناوری را در دستور کار خود دارند. زیر توسعه ملی نیازمند حرکت به سوی علم و فناوری است (عبدی و همکاران، ۱۳۹۶). بهرام‌چوبین و همکاران (۱۳۹۵) معیارهای دانشگاه کارآفرین شامل منابع مالی، منابع انسانی، ساختار، عوامل محسوس و عوامل نامحسوس می‌باشد. در بین معیارهای دانشگاه کارآفرین معیار منابع انسانی بیشترین درجه اهمیت را دارد. بهزادی و همکاران (۱۳۹۳) نشان دادند که؛ الگوی دانشگاه کارآفرین از منظر کارآفرینی سازمانی شامل مولفه‌های کیفیت دانش آموختگان، انتشار یافته‌های علمی، جذب منابع مالی، قراردادهای پژوهشی، ثبت اختراع، ایجاد کسب و

کارهای زایشی، ایجاد پارک علم و فناوری، فرهنگ سازمانی کارآفرینانه، ساختار سازمانی منعطف، رویکرد کارآفرینانه استادان، مدیریت کلان، محتوای دروس و ویژگی‌های دانشجویان می‌باشد.

روش شناسی

با توجه به موضوع پژوهش که ارائه چارچوب ساختاری تفسیری توسعه کارآفرینی در آموزش عالی است، جامعه آماری این تحقیق در بخش کیفی ۱۰ نفر از خبرگان کارآفرینی و اساتید گروه تخصصی کارآفرینی است. روش نمونه‌گیری بصورت گلوله برفی بوده و افراد متخصص با معرفی اساتید راهنما انتخاب شدند و سپس سایر افراد بصورت مرحله به مرحله اضافه شدند و این فرایند تا رسیدن به نقطه اشباع داده‌ها ادامه یافت. جامعه آماری در مرحله کمی ۸۰ نفر از کارشناسان و متخصصان در حوزه کارآفرینی است. از این تعداد می‌توان ۴۰ نفر را در دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران، ۲۰ نفر در گروه‌های کارآفرینی واحدهای مرکزی، علوم و تحقیقات و جنوب تهران و ۲۰ نفر از پژوهشگران و سیاستگذاران و مولفان برجسته در حوزه کارآفرینی هستند که نمونه‌گیری خوشه‌ای در نظر گرفته شده‌اند. همچنین به منظور جمع‌آوری داده‌های مربوط به مقایسات زوجی در مدلسازی ساختاری تفسیری، از نظرات ۱۰ نفر از خبرگان استفاده شد. این افراد از بین مصاحبه‌شوندگان و کارشناسان انتخاب شدند. شیوه انتخاب این افراد بر اساس خبرگی و تمایل به همکاری و بصورت قضاوتی بوده است. روش گردآوری اطلاعات، کیفی و پیمایشی است. پژوهش کیفی خود یک حوزه دانش و پژوهش بین‌رشته‌ای، فرارشته‌ای و گاه ضد رشته‌ای است که می‌توان آن را در انواع رشته‌های علوم انسانی، علوم اجتماعی و حتی برخی از علوم طبیعی به کار برد (شکاری و حسین‌پور، ۱۳۹۰). پژوهش به لحاظ هدف در زمره پژوهش‌های کاربردی قرار دارد زیرا نتایج برای کاربرد در اختیار سیاستگذاران حوزه تدوین دروس کارآفرینی در دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها قرار خواهد گرفت. و بر اساس ماهیت، پژوهش حاضر از نوع توصیفی و غیرآزمایشی (میدانی و پیمایشی) است. ابزار گردآوری داده‌ها در مرحله کیفی، اسناد و مبانی نظری موضوع و مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته است. به این دلیل، مصاحبه نیمه ساختار یافته انتخاب شده است که علاوه بر آنکه امکان تبادل نظرات و تفکر وجود دارد، می‌توان بحث و موضوع آن را در جهت دستیابی به اهداف پژوهش هدایت نمود. همچنین در طول فرایند مصاحبه امکان مشاهده رفتار، احساسات و رسیدن به باورها و اعتقادات مصاحبه‌شونده درباره موضوع پژوهش نیز وجود دارد. مصاحبه با صاحب‌نظران تا رسیدن به اشباع نظری ادامه می‌یابد. نمونه سوالات مصاحبه به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- آیا پیش زمینه قوی در علوم انسانی می‌تواند به عنوان یک پیش‌نیاز برای توسعه کارآفرینی در نظام آموزش عالی در رشته علوم انسانی محسوب شود؟
- ۲- آیا مدیریت حاکم بر نظام آموزش عالی و سلسله‌مراتب آن می‌تواند به عنوان یک پیش‌نیاز یا محرک برای توسعه کارآفرینی در نظام آموزش عالی در رشته علوم انسانی محسوب شود؟
- ۳- آیا دسترسی به آموزش می‌تواند به عنوان یک پیش‌نیاز برای توسعه کارآفرینی در نظام آموزش عالی در رشته علوم انسانی محسوب شود؟

۴- آیا کیفیت آموزش علوم انسانی در دانشگاه‌ها می‌تواند به عنوان یک پیش‌نیاز برای توسعه کارآفرینی در نظام آموزش عالی در رشته علوم انسانی محسوب شود؟

پایایی مصاحبه از طریق توافق درونی کدگذاری همکار محاسبه شد. و ابزار گردآوری در مرحله کمی، پرسشنامه مدلسازی ساختاری تفسیری است. روایی آن توسط خبرگان و پایایی پرسشنامه از طریق ضریب الفای کرونباخ تایید شد. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در مرحله کیفی، تحلیل تم از طریق کدگذاری می‌باشد. تحلیل تم روشی برای تعیین، تحلیل و بیان الگوهای (تم‌ها) موجود درون داده‌ها است. این روش داده‌ها را سازماندهی و در قالب جزئیات توصیف می‌کند، اما می‌تواند از این فراتر رفته و جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش را تفسیر کند. پژوهش‌های کیفی، که بیشتر توصیف یک پدیده و آن هم از طریق مشاهده صورت می‌گیرد، معمولاً به صورت مطالعه موردی است. هدف مطالعات موردی، مشاهده تفصیلی ابعاد «مورد» تحت مطالعه و تفسیر مشاهده از دیدگاه کل‌گرا است. از این رو، مطالعه موردی بیشتر به روش کیفی و با تأکید بر فرایند و درک و تفسیر آنها انجام می‌شود (فولادی، ۱۳۹۳). روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در مرحله کمی، مدلسازی ساختاری تفسیری است و از ماتریکس MICMAC بهره‌گرفته شد و جهت بررسی رابطه بین مولفه‌ها از نرم افزار Smartpls استفاده شد.

یافته‌ها

در مرحله اول یعنی مرحله کیفی پژوهش، سعی بر آن است که روند استخراج مقوله‌ها و کدها از مصاحبه خبرگان با استفاده از تکنیک تحلیل تم انجام شود که کدها و مقوله‌های چارچوب ساختاری تفسیری توسعه کارآفرینی در آموزش عالی با تکنیک تم (کدگذاری اولیه و محوری و انتخابی) استخراج شده است که به شرح زیر می‌باشد:

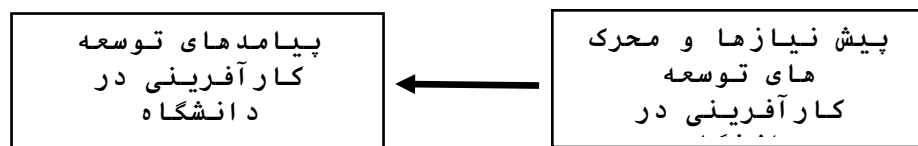
کدگذاری اولیه: در این پژوهش ۱۰ مصاحبه با خبرگانی که در حوزه کارآفرینی و دانشگاه کارآفرین تخصص داشتند، صورت گرفت. بر اساس سؤالات مطرح شده، در پروتکل مصاحبه برطبق الگوی شناختی استحصال شده از ادبیات، کدهای استخراج شده دسته بندی شد. بدین ترتیب که در ادامه در هر بخش سؤالات اصلی محقق مطرح شده و پاسخ‌های ارائه شده توسط خبرگان بصورت یک به یک، کدگذاری شده است. به همین منوال سایر سؤالات نیز مطرح و پاسخ‌های دریافت شده، جمع آوری گردید. در پایان نیز کدهایی که در ذیل پاسخ‌های جزئی نبودند، دسته بندی شدند. اولین سؤال مطرح شده از خبرگان این بود که «پیش‌نیازهای توسعه کارآفرینی در نظام آموزش عالی چیست؟» که ۴۲ پیش‌نیاز از تحلیل مصاحبه در مرحله کدگذاری اولیه شناسایی شد. دومین سؤال مطرح شده از متخصصان این بود که «توسعه کارآفرینی در نظام آموزش عالی چه پیامدهای است؟» پس از مشخص شدن پاسخ‌های مصاحبه شونده‌گان، نکات کلیدی پیامدهای توسعه کارآفرینی در نظام آموزش عالی، شناسایی شد که از بین کدهای شناسایی شده، کدهایی که بدون تکرار بودند و فراوانی آنها ۱ بود، حذف شدند و کدهایی که حداقل دو تکرار را داشتند و حداقل دو خبره به آنها اشاره کرده بودند یا یک خبره چند بار در مصاحبه خود به یک مورد اشاره کرده بود، به عنوان پاسخ به سؤال دوم و به منظور استفاده در مدل

ثبت شدند. که ۱۵ مورد مطرح شده را به عنوان پیامدهای توسعه کارآفرینی در نظام آموزش عالی برشماری نمودند.

برای محاسبه پایایی مصاحبه در همین مرحله کدگذاری اولیه، با روش توافق درونی کدگذار همکار، از دو پژوهشگر دارای مدرک دکترای کارآفرینی از دانشگاه تهران و دانشگاه آزاد واحد تهران شمال که به روش کدگذاری و تحلیل مضمون آشنایی داشتند، درخواست شد تا فرایند استخراج مفاهیم و کدگذاری اولیه را مجدداً انجام دهند. محقق مصاحبه‌های اول و سوم را در اختیار محقق همکار اول و مصاحبه هفتم و دهم را در اختیار محقق همکار دوم قرار داد. نتایج به دست آمده از کدگذاری بر اساس توافق درونی در کدگذاری اول ۸۹ درصد و در کدگذاری دوم ۸۴ درصد است که با توجه به حد قابل قبول ۶۰ درصد برای پایایی می‌توان نتیجه گرفت که پایایی کدگذاری‌های مفهومی قابل قبول می‌باشد.

کدگذاری محوری: در این مرحله، به منظور طراحی چارچوب توسعه کارآفرینی در نظام آموزش عالی، پس از دسته‌بندی مکرر کدها، مفاهیم فرعی و اصلی و مقوله‌های اصلی که شناسایی گردید. که ۱۳ کد محوری برای پیش‌نیاز و ۶ مفهوم برای پیامدهای توسعه کارآفرینی در این مرحله شناسایی شد.

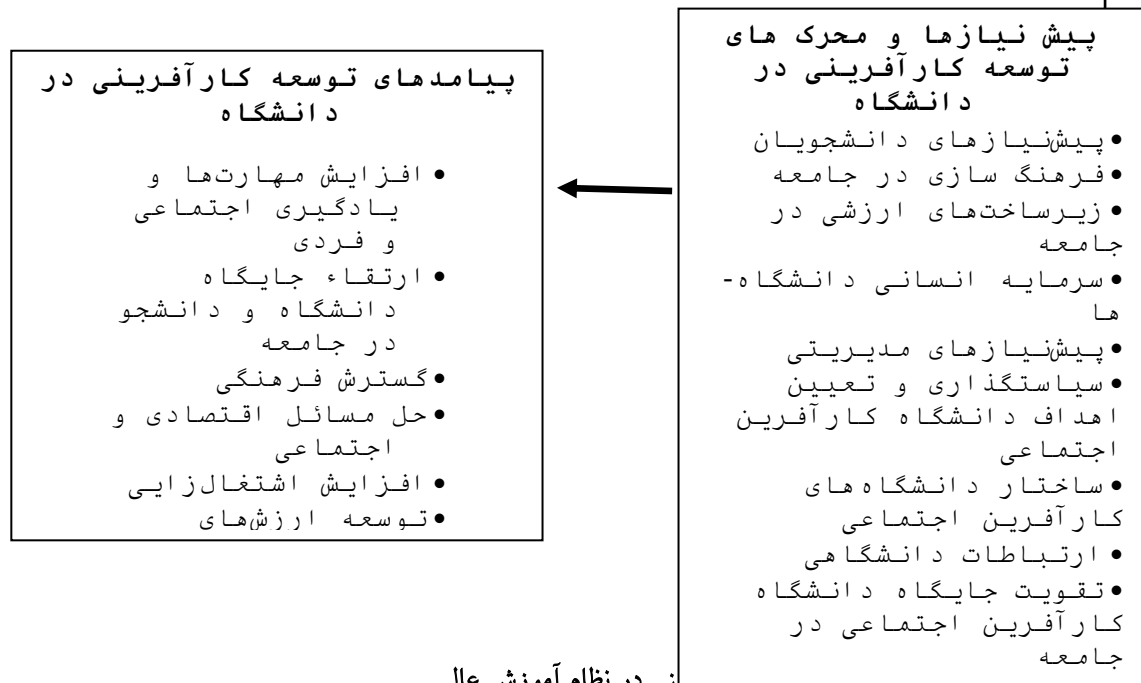
کدگذاری انتخابی: پس از مشخص شدن کدهای محوری، مقوله‌های اصلی از در کنار هم قرار دادن مفاهیم ایجاد می‌شود. با توجه به مقوله‌های شناسایی شده، می‌توان دریافت که مفاهیم و مقوله‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها، همسو و مکمل مدل برخاسته از ادبیات بوده است و در کلیات، از مدل پونسکو^۱ و همکاران (۲۰۱۳) تبعیت می‌نماید اما در مولفه‌های هر متغیر، تفاوت‌های عمده‌ای وجود دارد. در مدل برخاسته از ادبیات دو مقوله اصلی پیش‌نیازهای توسعه کارآفرینی، پیامدهای شکل‌گیری و توسعه کارآفرینی وجود داشت که این دو مقوله در انتهای کدگذاری و تحلیل مصاحبه‌ها نیز طبق سؤالات مطرح شده در پروتکل مصاحبه، وجود دارد و بعد دیگری بر آن افزوده نشد. از همین رو می‌توان بصورت کلی مقوله‌های اصلی مدل را مشابه مدل برخاسته از ادبیات، به شکل ۱ طراحی نمود:



شکل (۱): مدل روابط بین مقوله‌های توسعه کارآفرینی در نظام آموزش عالی

با عنایت به ادبیات پژوهشی و مصاحبه‌های صورت گرفته و استفاده از سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی و استخراج کدها، مفاهیم و مقوله‌ها و تبیین روابط بین آنها، مدل نهایی پژوهش طراحی گردید. که در شکل ۲ آمده است. با توجه به چارچوب ایجاد شده، در یک چرخه موثر، پیامدهای توسعه کارآفرینی اجتماعی

می تواند مجدداً موجب ایجاد نیروی محرکه بیشتر برای توسعه کارآفرینی اجتماعی در جامعه دانشگاهی و در رشته های علوم انسانی و سایر رشته ها شود.



سازمان پژوهش های علمی و فناوری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

تعریف مقوله های شناسایی شده پژوهش:

پیش نیازهای توسعه کارآفرینی: در مدل پژوهش حاضر شامل پیش نیازهای دانشجویان، فرهنگ سازی در جامعه، زیرساخت های ارزشی در جامعه، سرمایه انسانی دانشگاه ها، پیش نیازهای مدیریتی، سیاست گذاری و تعیین اهداف دانشگاه کارآفرین اجتماعی، ساختار دانشگاه های کارآفرین اجتماعی، ارتباطات دانشگاهی، تقویت جایگاه دانشگاه کارآفرین اجتماعی در جامعه، پیش نیازهای دولتی، اقدامات دانشجویی می باشد. دارابان (۲۰۱۶) پیش زمینه قوی دانشجویان در علوم انسانی و همچنین محتوا و شیوه ارائه دروس از پیش نیازهای توسعه کارآفرینی هستند. رحیمیان و همکاران (۲۰۱۶) مدیریت حاکم بر نظام آموزش عالی و سلسله مراتب آن، استفاده از روش های آموزشی سنتی و مطالب منسوخ شده، عدم استفاده از روش های تشویقی برای جذب می باشد.

پیامدهای توسعه کارآفرینی: در مدل پژوهش حاضر شامل افزایش مهارت ها و یادگیری اجتماعی و فردی، ارتقاء جایگاه دانشگاه و دانشجو در جامعه، گسترش فرهنگی، حل مسائل اقتصادی و اجتماعی، افزایش اشتغال زایی، توسعه ارزش های کارآفرینی اجتماعی می باشد. پونسکو و همکاران (۲۰۱۳) دسترسی به آموزش، کیفیت آموزش، قابلیت های ویژه، اساتید معتبر و مسئولیت پذیر، تمرکز بر ایجاد و توسعه ارزش های اجتماعی از پیامدهای توسعه کارآفرینی است. قنبری و همکاران (۱۳۹۳) پیامدهای توسعه کارآفرینی شامل آماده سازی دانشجویان برای حضور در بازار و محیط کار، ایجاد مراکز رشد و پارک های علم و فناوری، تعامل حداکثری با جامعه و صنعت برای حل مسائل واقعی، توسعه فرهنگ بنگاهی و سرمایه گذاری در دانشگاه، تشویق استفاده از آموزش مادام

العمر، کاربردی کردن دانش و تئوری است. شریف وهمکاران (۱۳۹۰) راهبردهای یاددهی و یادگیری، سبک‌های مدیریت و رهبری، سبک‌های نظارت، روش‌های ارزیابی از پیامدهای توسعه کارآفرینی است.

ساختاردهی ابعاد مدل توسعه کارآفرینی اجتماعی

ساختاردهی روابط بین مولفه‌های شناسایی شده هر بعد مشخص می‌کند که کدامیک از مولفه‌ها دارای جایگاه مهمتری از نظر اثرگذاری هستند تا بتوان با تمرکز روی این عوامل، همانند یک دومینو، بیشترین تاثیر را روی سایر عوامل و کل سازه ایجاد نمود. از همین رو پرسشنامه مدل‌سازی ساختاری تفسیری برای ۱۰ نفر از متخصصان و خبرگان مصاحبه شونده در دانشکده‌ها و گروه‌های کارآفرینی کشور ارسال شد و از آنها خواسته شد طبق راهنمای موجود در پرسشنامه، رابطه بین عوامل را مشخص نمایند. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، نظرات متخصصان جمع‌شد. تجمیع نظرات بر اساس فراوانی نظرات صورت گرفت. بدین ترتیب که تعداد نظرات خبرگان در هر مورد شمرده شده و نظری که بیشترین فراوانی را داشت به عنوان نظر منتخب تعیین گردید. سپس ماتریس دسترس و ماتریس دسترسی نهایی برای پیش‌نیاز و پیامدهای توسعه کارآفرینی تشکیل شد. که جهت نمونه ماتریس دستیابی نهایی برای پیش‌نیاز در جدول ۱ آمده است.

جدول (۱): تشکیل ماتریس دستیابی نهایی پیش‌نیازهای توسعه کارآفرینی

نمود	S ₁₃	S ₁₂	S ₁₁	S ₁₀	S ₉	S ₈	S ₇	S ₆	S ₅	S ₄	S ₃	S ₂	S ₁	
۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	S ₁
۱۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	S ₂
۱۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	S ₃
۱۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	S ₄
۱۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	S ₅
۸	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	S ₆
۱۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	S ₇
۱۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	S ₈
۶	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	S ₉
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	S ₁₀
۱۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	S ₁₁
۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	S ₁₂
۵	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	S ₁₃
	۱۰	۱۱	۲	۱۳	۱۰	۷	۷	۱۰	۸	۸	۱	۲	۱۲	وابستگی

پس از محاسبه ماتریس دسترسی نهایی، باید سطوح مدل مشخص گردد. بدین ترتیب مجموعه ورودی‌ها و خروجی‌های هر یک از عوامل مشخص می‌گردد و چنانچه خروجی‌ها و مجموعه مشترک محاسبه شده یکسان باشد، آن عامل مربوط به همان سطح می‌باشد. جهت نمونه تعیین سطح پیامدهای توسعه کارآفرینی آموزش عالی در جدول ۲ آمده است.

بر اساس نتایج به دست آمده مدل سه سطحی به شکل زیر طراحی می‌گردد: جهت نمونه تعیین سطح پیامدهای توسعه کارآفرینی آمده است.

جدول (۲): مولفه‌های تایید شده پیامدهای توسعه کارآفرینی

کد مولفه	مؤلفه‌ها	ردیف
P ₁	افزایش مهارت‌ها و یادگیری اجتماعی و فردی	۱
P ₂	ارتقاء جایگاه دانشگاه و دانشجو در جامعه	۲
P ₃	گسترش فرهنگی	۳
P ₄	حل مسائل اقتصادی و اجتماعی	۴

۵	افزایش اشتغال زایی	P ₅
۶	توسعه ارزش های کارآفرینی	P ₆

پس از جمع آوری پرسشنامه‌ها، نظرات متخصصان تجمیع شد. تجمیع نظرات بر اساس فراوانی نظرات صورت گرفت. بدین ترتیب که تعداد نظرات خبرگان در هر مورد شمرده شده و نظری که بیشترین فراوانی را داشت به عنوان نظر منتخب تعیین گردید.

با تبدیل نمادهای روابط ماتریس SSIM به اعداد صفر و یک بر حسب قواعد زیر می‌توان به ماتریس دستیابی رسید.

پس از اینکه ماتریس اولیه دستیابی بدست آمد، می‌بایست سازگاری درونی آن برقرار شود. به عنوان نمونه اگر متغیر ۱ منجر به متغیر ۲ شود و متغیر ۲ هم منجر به متغیر ۳ شود می‌بایست متغیر ۱ نیز منجر به متغیر ۳ شود و اگر در ماتریس دستیابی این حالت برقرار نبود باید ماتریس اصلاح شده و روابطی که از قلم افتاده جایگزین شوند. در ماتریس نهایی اصلاحات با *۱ نشان داده شده است. این رابطه برای کلیه عوامل بصورت مجزا محاسبه گردید و هر جا نیاز به اصلاح بود، این اصلاح بصورت دستی اعمال گردید. بدین ترتیب ماتریس دسترسی نهایی به شکل زیر ترسیم می‌گردد:

جدول (۳) تشکیل ماتریس دسترسی نهایی

نفوذ	P ₆	P ₅	P ₄	P ₃	P ₂	P ₁	
P ₁	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۶
P ₂	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۶
P ₃	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۶
P ₄	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱
P ₅	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۲
P ₆	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۳
وابستگی	۴	۵	۶	۳	۳	۳	

پس از محاسبه ماتریس دسترسی نهایی، باید سطوح مدل مشخص گردد اگر همه عوامل مربوط به همان سطح بودند، مدل تک سطحی است، در غیر اینصورت باید به سطح بعدی برویم. در سطح بعدی عوامل و اعداد آنها حذف می‌شوند. مثلاً اگر عامل اول مربوط به سطح ۱ باشد، در مرحله بعدی این عامل حذف و عدد ۱ از مجموعه‌های ورودی و خروجی حذف می‌گردند. در ادامه نتایج حاصل از سطح بندی عوامل ارائه می‌گردد:

جدول (۴) تعیین عوامل سطح ۱

ردیف	مؤلفه	اثر می‌پذیرد از	اثر می‌گذارد بر	مجموعه مشترک	سطح
۱	افزایش مهارت‌ها و یادگیری اجتماعی و	۱،۲،۳	۱،۲،۳،۴،۵،۶	۱،۲،۳	۱
۲	ارتقاء جایگاه دانشگاه و دانشجو در	۱،۲،۳	۱،۲،۳،۴،۵،۶	۱،۲،۳	۱

۱	۱,۲,۳	۱,۲,۳,۴,۵,۶	۱,۲,۳	گسترش فرهنگی	۳
	۴	۴	۱,۲,۳,۴,۵,۶	حل مسائل اقتصادی و اجتماعی	۴
	۵	۴,۵	۱,۲,۳,۵,۶	افزایش اشتغال زایی	۵
	۶	۴,۵,۶	۱,۲,۳,۶	توسعه ارزش های کارآفرینی	۶

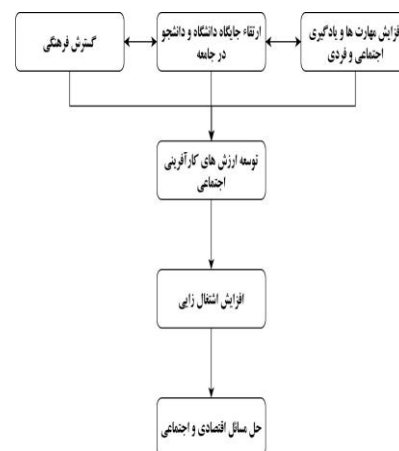
با توجه به نتایج به دست آمده مشخص می شود که سه عامل افزایش مهارت ها و یادگیری اجتماعی و فردی، ارتقاء جایگاه دانشگاه و دانشجو در جامعه و گسترش فرهنگی به سطح اول مربوط می باشند. در ادامه با حذف شماره ۱، ۲ و ۳ از محاسبات، فرایند تعیین سطح عوامل مجدداً صورت می پذیرد.

جدول (۵) تعیین عوامل سطوح بعدی

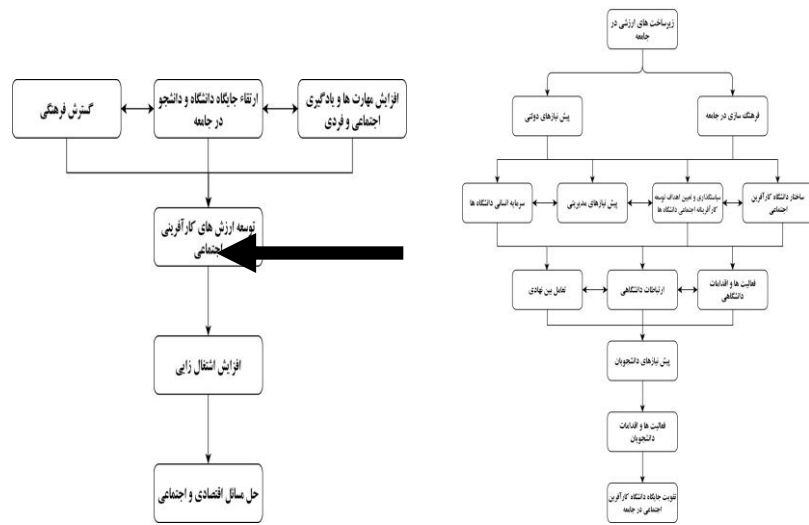
ردیف	مولفه	اثر می پذیرد از	اثر می گذارد بر	مجموعه مشترک	سطح
۴	حل مسائل اقتصادی و اجتماعی	۴,۵,۶	۴	۴	۴
۵	افزایش اشتغال زایی	۵,۶	۴,۵	۵	۳
۶	توسعه ارزش های کارآفرینی	۶	۴,۵,۶	۶	۲

با توجه به نتایج به دست آمده مشخص می شود که ابتدا توسعه ارزش های کارآفرینی اجتماعی به سطح دوم اختصاص می یابد و پس از آن پیامد افزایش اشتغال زایی به سطح سوم و در نهایت حل مسائل اقتصادی و اجتماعی به سطح چهارم اختصاص می یابد.

بر اساس نتایج به دست آمده مدل چهار سطحی به شکل زیر طراحی می گردد:



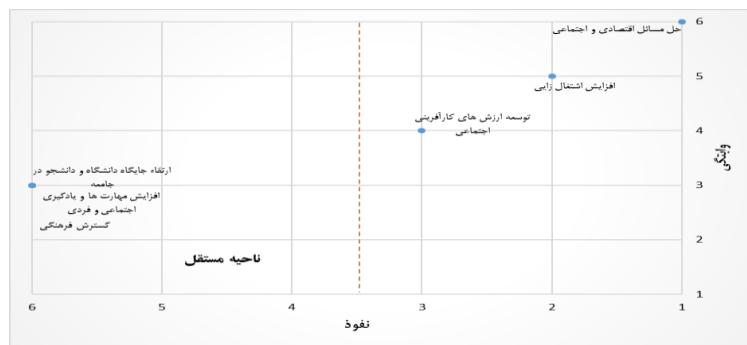
شکل (۳) روابط بین پیامدهای توسعه کارآفرینی در نظام آموزش عالی



شکل (۵) مدل تلفیقی پژوهش

مدل تحقیق از ۲ مقوله اصلی و ۱۳ پیش نیاز و ۶ پیامد توسعه کارآفرینی نظام آموزش عالی تشکیل شده است.

پس از مشخص شدن مدل چهار سطحی، نمودار قدرت نفوذ-وابستگی به شکل ۶ از طریق نمودار MICMAC ترسیم می‌گردد:



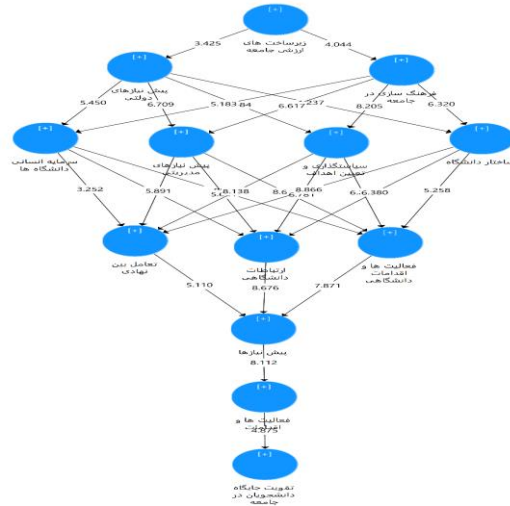
شکل (۶) نمودار MICMAC پیامدهای توسعه کارآفرینی در آموزش عالی

از بین عوامل شناسایی شده هیچ موردی در منطقه پیوندی قرار نگرفته است. سه پیامد در ناحیه مستقل قرار گرفتند که عبارتند از حل مسائل اقتصادی و اجتماعی، افزایش اشتغال‌زایی و توسعه ارزش‌های کارآفرینی. این عوامل در مدل چهار سطحی نیز در سطوح پایینی مدل قرار داشتند.

سه عامل دیگر نیز در منطقه مستقل قرار داشتند که عبارتند از افزایش مهارت‌ها و یادگیری اجتماعی و فردی، ارتقاء جایگاه دانشگاه و دانشجو در جامعه و گسترش فرهنگی. این عوامل برای شروع ضروری هستند ولی معمولاً افزایش این عوامل کار بسیار دشواری است و نیاز به زمان و هزینه و تمرکز بسیار زیادی دارد.

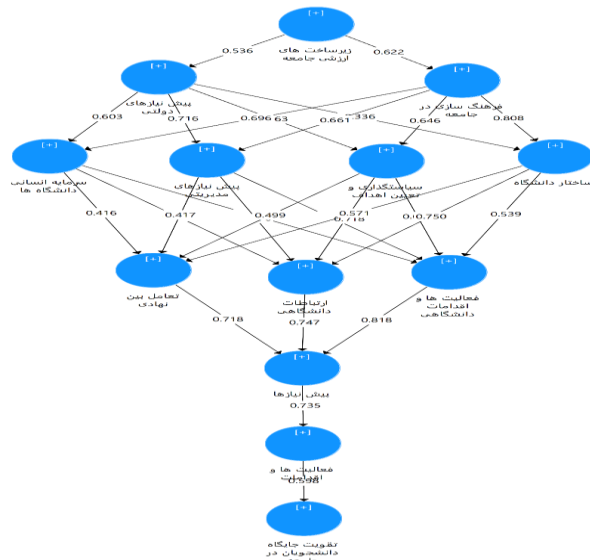
تایید روابط بین مولفه‌های هر سازه:

در این بخش روابط تبیین شده بین مولفه‌های مدل بر اساس محاسبات تکنیک مدل‌سازی ساختاری تفسیری، با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری تایید گردیده است.



شکل (۷) آماره t مربوط به روابط بین مولفه‌های پیش‌نیازهای توسعه کارآفرینی

همانطور که در شکل مشخص شده است، روابط بین مولفه‌ها از نظر آماری تایید شده است و در ادامه به بررسی میزان اثرگذاری و اندازه ضریب رگرسیون هر یک از مولفه‌ها بر یکدیگر پرداخته شده است.



شکل (۸) بررسی ضرایب اثرگذاری مولفه‌های پیش‌نیازهای توسعه کارآفرینی

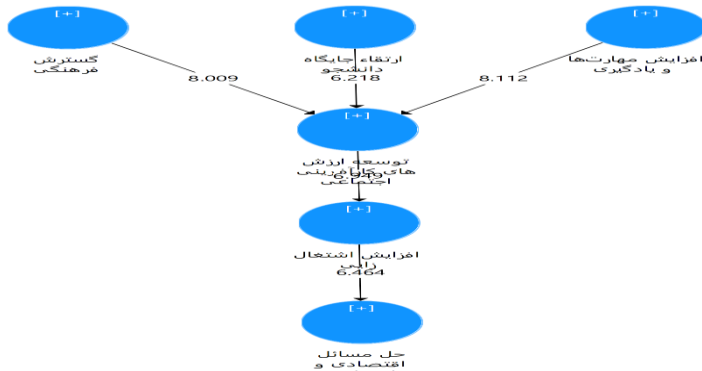
نتایج بررسی نشان می‌دهد که از نظر جامعه آماری، هر یک از مولفه‌ها با چه ضرایب و قدرتی بر یکدیگر اثر می‌گذارند. در جدول زیر به بررسی شاخص‌های برازش سازه این پیش‌نیازهای در مدل پرداخته شده است.

جدول (۶) شاخص‌های برازش برای روابط بین پیش‌نیازهای توسعه کارآفرینی

شاخص	RMSEA	GFI	CFI	NFI
مقدار محاسبه شده	۰,۰۴۱۷	۰,۹۲	۰,۹۱	۰,۹۲
سطح قابل قبول	$\leq 0/1$	$\geq 0/90$	$\geq 0/90$	$\geq 0/90$

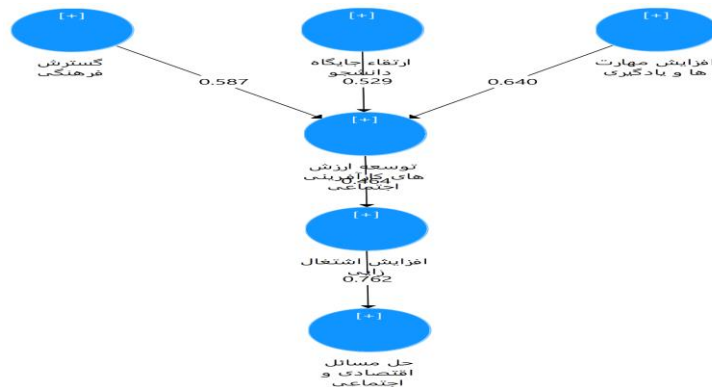
نتیجه	مناسب	مناسب	مناسب	مناسب
-------	-------	-------	-------	-------

بدین ترتیب بر اساس نتایج به دست آمده مشخص می‌شود که چارچوب طراحی شده برای پیش نیازها و محرک‌های توسعه کارآفرینی، دارای برازش مناسبی است و از همین رو روابط بین مولفه‌ها تایید می‌گردد.



شکل (۹) آماره t مربوط به روابط بین پیامدهای توسعه کارآفرینی

همانطور که در شکل مشخص شده است، روابط بین مولفه‌ها از نظر آماری تایید شده است و در ادامه به بررسی میزان اثرگذاری و اندازه ضریب رگرسیون هر یک از مولفه‌ها بر یکدیگر پرداخته شده است.



شکل (۱۰) بررسی ضرایب اثرگذاری پیامدهای توسعه کارآفرینی

نتایج بررسی نشان می‌دهد که از نظر جامعه آماری، هر یک از مولفه‌ها با چه ضرایب و قدرتی بر یکدیگر اثر می‌گذارند. در جدول زیر به بررسی شاخص‌های برازش سازه این پیامدها در مدل پرداخته شده است.

جدول (۷) شاخص‌های برازش برای روابط بین پیامدهای توسعه کارآفرینی

شاخص	RMSEA	GFI	CFI	NFI
مقدار محاسبه شده	۰,۰۳۱۶	۰,۹۱	۰,۹۲	۰,۹۲
سطح قابل قبول	≤ ۰/۱	≥ ۰/۹۰	≥ ۰/۹۰	≥ ۰/۹۰
نتیجه	مناسب	مناسب	مناسب	مناسب

بدین ترتیب بر اساس نتایج به دست آمده مشخص می‌شود که مدل طراحی شده برای پیامدهای توسعه کارآفرینی، دارای برازش مناسبی است و از همین رو روابط بین مولفه‌ها تایید می‌گردد.

نتایج تحقیق حاضر به ۲ مقوله پیش نیازهای توسعه کارآفرینی با ۱۳ بعد (پیش نیازهای دانشجویان، فرهنگ سازی در جامعه، زیرساخت های ارزشی در جامعه، سرمایه انسانی دانشگاه ها، پیش نیازهای مدیریتی، سیاست گذاری و تعیین اهداف دانشگاه کارآفرین اجتماعی، ساختار دانشگاه های کارآفرین اجتماعی، ارتباطات دانشگاهی، تقویت جایگاه دانشگاه کارآفرین اجتماعی در جامعه، پیش نیازهای دولتی، اقدامات دانشجویی) و مقوله پیامدهای توسعه کارآفرینی با ۶ بعد (افزایش مهارت ها و یادگیری اجتماعی و فردی، ارتقاء جایگاه دانشگاه و دانشجو در جامعه، گسترش فرهنگی، حل مسائل اقتصادی و اجتماعی، افزایش اشتغال زایی، توسعه ارزش های کارآفرینی اجتماعی) می رسد. که با تحقیق که با دارابان (۲۰۱۶)، رحیمیان و همکاران (۲۰۱۶)، پونسکو و همکاران (۲۰۱۳)، ورکیانی پور و همکاران (۱۳۹۸)، گودرزی و همکاران (۱۳۹۷)، رایمانی و همکاران (۱۳۹۶)، رضانیپور و نرگسی (۱۳۹۴)، قنبری و همکاران (۱۳۹۳)، شریف و همکاران (۱۳۹۳)، دیوسالار و همکاران (۱۳۹۱) و دیوسالار و بزرگی (۱۳۹۱) سازگار می باشد.

با توجه به اینکه پیش نیازهای ادبیات شامل پیش زمینه قوی در علوم انسانی، مدیریت حاکم بر نظام آموزش عالی و سلسله مراتب آن، دسترسی به آموزش، کیفیت آموزش، قابلیت های ویژه و اساتید معتبر و مسئولیت پذیر شناسایی گردیدند، توصیه کاربردی این است که مدیران دانشگاه ها، به این عوامل در کنار عوامل پیشنهادی در بخش یافته ها، توجه داشته باشند.

و براساس مقوله پیش نیازهای توسعه کارآفرینی توصیه کاربردی این است که ۱. به منظور توسعه زیرساخت های ارزشی در جامعه، بیشتر روی ریشه های اعتقادی و مذهبی کمک به همونوع در قالب ایجاد کار و دعوت به کار تمرکز نمود. هم در روایات و هم در سیره اهل بیت، موارد متعددی از این نوع فعالیت ها وجود داشته است که تمرکز بر آنها می تواند وضعیت ذهنی افراد جامعه را که غالباً ارزش های دینی در آنها وجود دارد، آماده توسعه کارآفرینی اجتماعی نماید. ۲. توصیه می شود در مورد روایات و سیره اهل بیت علیهم السلام در حوزه کارآفرینی اجتماعی مطالعاتی صورت گیرد تا مدلی مبتنی بر الگوی کلامی و عملی آن بزرگواران ارائه شود. ۳. توصیه می شود برنامه های صدا و سیما و سایر رسانه ها در کشور، بر زمینه های انسانی و اخلاقی کارآفرینی اجتماعی و استفاده از این افراد در کسب و کارها تمرکز نمایند تا بدین ترتیب، نوعی ترویج ارزشی برای شکل گیری فرهنگ کارآفرینی اجتماعی صورت گیرد. توصیه می شود الگوی فرهنگ سازی توسعه کارآفرینی اجتماعی تدوین شود تا طی دوره های زمانی ۵ و ۱۰ ساله، اقدامات موثری در فرهنگ سازی از نظر ارزشی و عملی صورت گیرد. این برنامه ها موجب می شود که سیر فرهنگ سازی توسعه کارآفرینی اجتماعی مشخص شود و به خصوص در دانشگاه ها و رشته های دانشگاهی علی الخصوص علوم انسانی، دیدگاه مثبت و عملیاتی نسبت به توسعه فرهنگ کارآفرینی صورت گیرد.

براساس مقوله دوم یعنی پیامدهای توسعه کارآفرینی، با توجه به اینکه پیامدهای توسعه کارآفرینی در ادبیات و مطالعات صورت گرفته شامل تغییرات و تبدلات اجتماعی، شکل گیری ارزش های اجتماعی، آماده سازی دانشجویان برای حضور در بازار و محیط کار، ایجاد مراکز رشد و پارک های علم و فناوری، تعامل حداکثری با جامعه و صنعت برای حل مسائل واقعی، توسعه فرهنگ بنگاهی و سرمایه گذاری در دانشگاه، تشویق استفاده از

آموزش مادام‌العمر و کاربردی کردن دانش و تئوری‌شناسایی گردیدند، ۱. توصیه کاربردی این است که مدیران دانشگاه‌ها، به این عوامل در کنار عوامل پیشنهادی در بخش یافته‌ها، توجه داشته باشند. به منظور توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌ها، دولت باید همه تلاش خود را به کار ببندد. زیرا بدون حمایت دولت به عنوان متولی فرهنگ‌سازی و همچنین سیاستگذاری در کشور، فعالیت‌های مدیران، ناپیوسته و غیرمنسجم خواهد بود و بدین ترتیب نمی‌توان انتظار توسعه آن را در کشور داشت. از همین رو دولت باید از همه امکانات و توان خود برای حمایت از کارآفرینی اجتماعی در دانشگاه‌ها به کار ببندد. ۲. توصیه می‌شود دولت برای تقویت کارآفرینی اجتماعی از طریق معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، زمینه‌های کاهش بوروکراسی را فراهم نماید تا هم بوروکرات‌ها با توان بالاتری بتوانند به دانشگاه‌ها و دانشجویان و کارآفرینان اجتماعی خدمت نمایند و هم دانشگاه‌ها و دانشجویان و کارآفرینان اجتماعی در فرایند پیچیده بوروکراسی توان و انگیزه خود را از دست ندهند. این امر می‌تواند با ادغام شدن نهادهای زیرمجموعه دولت برای تایید و ارزش‌گذاری و اعطای وام و تسهیلات و ... صورت پذیرد. ۳. توصیه می‌شود سیاستگذاری بصورت مشارکتی با دعوت از دانشکده‌های علوم انسانی، دانشکده‌های کارآفرینی، مدیران و دست‌اندرکاران و تصمیم‌گیران در وزارتخانه انجام شود تا هم مدیران در سیاست‌های تدوین شده مشارکت داشته باشند و در زمان اجرا حداکثر توان خود را به کار بگیرند و هم سیاست‌های از بالا به پایین که مشارکت حداقلی را به همراه دارد، جای خود را به سیاست‌های مشارکتی بدهد. ۴. توصیه می‌شود با استفاده از سبک‌های مدیریت و رهبری مشارکتی در دانشکده‌های علوم انسانی، شور و اشتیاق و انگیزه و قدرت تصمیم‌گیری و مشارکت دانشجویان برای ورود به بازار، کارآفرینی اقتصادی و کارآفرینی اجتماعی افزایش یابد. ۵. توصیه می‌شود از کادر آموزشی و بن بست شکن برای توسعه بنیان‌های کارآفرینی اجتماعی استفاده شود. بدین معنی که کارکنانی که دائم در قالب بخشنامه‌های اداری غیرکارآمد زندانی هستند، نمی‌توانند راهگشای فعالیت‌ها و اقدامات دانشجویان کارآفرین باشند. ۶. توصیه می‌شود به منظور ارزیابی و برنامه‌ریزی برای افزایش مهارت‌های علمی و عملی دانشجویان، برنامه ریزی صورت گیرد تا شاخص‌های ارزیابی مشخصی بطور دائمی، مهارت‌های علمی و عملی دانشجویان را در رشته‌های علوم انسانی رصد نماید. ۷. توصیه می‌شود دانشگاه‌ها بطور دائمی، گزارشی از فعالیت‌های خود در مورد کارآفرینی اجتماعی ارائه دهند تا بدین ترتیب، نوعی خود اظهاری در گزارش‌های ارائه شده شکل بگیرد و دانشگاه‌ها، فراتر از مسئولیت‌های تعریف شده، انتظارات عمومی جامعه را نسبت به سطح کیفی دانشگاه ارتقاء دهند. ۸. توصیه می‌شود بطور سالانه گزارشی از خوداشتغالی و آمار کارآفرینی و شرکت‌های دانش بنیان و استارت‌آپ‌های ثبت و عملیاتی شده توسط دانشجویان تهیه شود تا هر دانشگاه عملکرد خود را با شاخص‌های واقعی ارزیابی نماید. میزان افراد به کارگرفته شده در شرکت‌های کارآفرینی اجتماعی همچون زنان خود سرپرست، معتمدان، افراد کم‌توان و ... می‌تواند شاخص مناسب دیگری برای ارزیابی عملکرد کارآفرینی اجتماعی خروجی دانشگاه‌ها باشد. ۹. توصیه می‌شود دانشگاه‌ها، فرصت‌های ایجاد شده برای پویاتر شدن ارتباط بین دانشگاه و صنعت و جامعه را مغتنم شمرده و آنها را نقطه عطفی برای ادامه فعالیت‌ها در نظر بگیرد. بدین ترتیب دانشگاه‌ها باید با گزارش‌های عملیاتی خود، اقدام به تقویت شبکه‌های ارتباطی بین جامعه، صنعت و دانشگاه‌ها و پویاتر کردن اقدامات دفاتر ارتباطات با صنعت در دانشگاه نمایند.

نتایج مرحله کمی پژوهش نشان داد که پیش‌نیارهای توسعه کارآفرینی دارای ۷ سطح است که زیرساخت‌های ارزشی جامعه در سطح اول، فرهنگ‌سازی در جامعه و پیش‌نیازها دولتی در سطح ۲، ساختار دانشگاه کارآفرینی اجتماعی و سیاستگذاری و تعیین اهداف توسعه کارآفرینانه اجتماعی دانشگاه و پیش‌نیازهای مدیریتی و سرمایه-انسانی دانشگاه‌ها در سطح ۳، فعالیت‌ها و اقدامات و ارتباطات دانشگاهی و تعاملات بین نهادی در سطح ۴، پیش‌نیارهای دانشجویی در سطح ۵، فعالیت‌ها و اقدامات دانشجویان در سطح ۶، تقویت جایگاه دانشگاه کارآفرین اجتماعی در جامعه در سطح ۷ قرار دارد. و پیامدهای توسعه کارآفرینی از سطح ۴ سطح برخوردار است. که افزایش مهارت‌ها و یادگیری اجتماعی و فردی، ارتقاء جایگاه دانشگاه و دانشجو در جامعه، گسترش فرهنگی در سطح اول، توسعه ارزش‌های کارآفرینی اجتماعی در سطح دوم، افزایش اشتغال‌زایی در سطح سوم و حل مسائل اقتصادی و اجتماعی در سطح چهارم قرار گرفته است.

محدودیت‌ها و تحقیقات آینده

- نخست آنکه نتایج به دست آمده از مطالعه کیفی به دلیل ماهیت آن، تعمیم پذیر نمی باشد و این عدم تعمیم پذیری یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر است.

- محلی بودن تحلیل‌های صورت گرفته و محدود بودن نتایج و مدل به مورد مطالعه.

تحقیقات آینده

- تدوین الگوی سیاستگذاری مشارکتی توسعه کارآفرینی اجتماعی در وزارت آموزش عالی و تحصیلات تکمیلی

- شناسایی و اولویت‌بندی ذینفعان کارآفرینی اجتماعی دانشگاه‌ها

- بهرام چوبین، مینا؛ مشرف جوادی، محمدحسین و صفری، علی. (۱۳۹۵). ارزیابی و رتبه‌بندی معیارهای دانشگاه کارآفرین (مورد مطالعه: دانشگاه‌های استان اصفهان). *فصلنامه علمی پژوهشی توسعه کارآفرینی*، ۹(۴)، ۶۹۱-۷۱۰.
- بهزادی، نازنین؛ رضوی، سیدمصطفی و حسینی، سیدرسول. (۱۳۹۳). طراحی الگوی مفهومی دانشگاه کارآفرین با رویکرد کارآفرینی سازمانی. *توسعه کارآفرینی*، ۷(۴)، ۶۹۷-۷۱۳.
- دیوسالار، سمانه و بزرگی، فرشاد. (۱۳۹۱). بررسی نقش کارآفرینی در رشد اقتصادی و توسعه پایدار. کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان، بابلسر.
- شجاعی، زهرا و علیزاده، رحمت. (۱۳۹۹). بررسی موانع کارآفرینی در دانشگاه آزاد اسلامی و نقش کارآفرینان در توسعه اقتصادی و اجتماعی. *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۱۲(شماره ۲ (پیاپی ۴۶))، ۱۵۱-۱۶۲.
- شهنازی، روح‌اله و پناهی، مجتبی. (۱۳۹۶). بررسی کاستی‌های نظام آموزشی در حوزه اقتصاد (مقایسه تطبیقی سرفصل فعلی با سرفصل جدید). *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۶(۱۸)، ۱۸۰-۱۴۳.
- علوی، سیدمازیار؛ موسی خانی، مرتضی؛ حسینی نیا، غلامحسین و حسینی، سیدحسین. (۱۳۹۹). بررسی نقش کارآفرینی در ارتقاء درآمدهای پایدار شهری با رویکرد پویایی‌شناسی سیستم‌ها. *فصلنامه علمی پژوهشی توسعه کارآفرینی*، ۱۳(۲)، ۲۹۳-۳۱۲.
- فتح‌اللهی، جمال؛ نجفی، سید محمد باقر و سادات موسوی، مهدیه. (۱۳۹۴). تبیین رابطه ارزش‌های اخلاقی و عملکرد اقتصادی در عصر اقتصاد دانش‌بنیان. *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۴(۱۱)، ۸۳-۱۱۰.
- فلاح تفتی، حامد؛ منتظری سانجی، فاطمه و رضائی، مینا. (۱۳۹۹). تحلیل تأثیر اعتیاد به بازی‌های رایانه‌ای بر خلاقیت و نیت کارآفرینی (مورد مطالعه: بازی-بازهای منتخب شهر یزد). *فصلنامه علمی پژوهشی توسعه کارآفرینی*، ۱۳(۳)، ۳۸۱-۴۰۰.
- واعظ، محمد؛ معینی، شهرام و درخشان، مرتضی. (۱۳۹۳). مقایسه تحلیلی سفته بازی و کارآفرینی از منظر اخلاق اسلامی و رشد اقتصادی. *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۳(۷)، ۶۴-۴۱.
- Abduh, M., Maritz, A., and Rushworth, S. (2012). An Evaluation of the Entrepreneurship Education in Indonesia: A Case Study of Bengkulu University. *International Journal of Organizational Innovation*, 4(4):871-882.
- Audretsch, D.B. (2014). From the entrepreneurial university to the university for the entrepreneurial society. *Technology Transfer*, 39(3). DOI:10.1007/s10961-012-9288-1.
- Berglund, K. (2012). Fostering the enterprising self: Gendered notions of entrepreneurship in Swedish school education. 7th Biennial International Interdisciplinary Conference of Gender, Work and Organization.
- Daraban, B. (2016). Building a Curriculum for Social Business Entrepreneurship. *Studies in Business and Economics*, 11(2), 19-25.

Foladi, M. (2014). An Inquiry into Qualitative Research. *Ayar Research in Human Sciences*, 4, 2(8), pp 27-46. . [In Persian]

Ghanbari, S., Ardalan, M.R. and Manafi SharafAbad, K. (2014). Conceptual model of entrepreneurial university development in higher education system. First International Symposium of Management Sciences with centrality of sustainable development, Tehran, Institute of Higher Education Arvand Mehr, the center of strategies for achieving sustainable development. . [In Persian]

Goudarzi, R., Hosseini, S. and Tabaian, S. (2019). Academic Entrepreneurship Development Framework in the Humanities in Iran. *Journal of Entrepreneurship Development*, 11(4), 661-679. doi: 10.22059/jed.2019.272159.652843. [In Persian]

Imani, A., Yaghoubi, N.M. and MubarakI, M. (2017). Identify and Prioritize Cooperative Entrepreneurship Development Policies, *Quarterly of Entrepreneurship Development*, 10 (1), 39-21. [In Persian]

Karimkhani, F. (2013). The conceptual model of entrepreneurship for economic growth and development, congress of pioneers of progress. 2. [In Persian]

Kingombe, C. (2011). Lessons for developing countries from experience with technical and vocational education and training. Paper for the International Growth Centre – Sierra Leone country programme.

Mirzamohammadi, M., Hamdi, K. and Navabakhsh, M. (2020). Designing an entrepreneurship development model for people with disabilities and veterans with an empowerment approach, 12(47), 104-126. [In Persian]

Mohammadi, R. and akhavan, P. (2018). Designing a structural model for the effect of strategic value of e-commerce on development of corporate entrepreneurship in an industrial unit. *Public Policy in Administration*, 9(2(30)), 89-101.

Păunescu, C., Drăgan, D., Cantaragiu, R. and Filculescu, A. (2013). Towards a conceptualization of social entrepreneurship in higher education. *The International Journal of Management Science and Information Technology (IJMSIT)*, (10-(Dec)), 51-69.

Rahimian, H., Abbaspour, A. and Davoodi Rad, D. (2017). Analysis of promoting social entrepreneurship in Iran's higher education system, the 5th International Conference on New Research in Management, Economics and Accounting. [In Persian]

Ramezanpour Nargesi, G., Ramazanpournargesi, S. and Ghaffari, A. (1394). Key factors affecting the development of technological entrepreneurship in knowledge based companies based in Iran's science and technology parks, *Quarterly of Entrepreneurship Development*, 6 (4), 766-749. [In Persian]

Sakhdri, K. and Agili, Z. (2018). Entrepreneurship development; a look at small businesses (studied: China). First National Conference on R and D in Management and Resistance Economics. [In Persian]

Sharif, S.M., Jamshidian, A., Rahimi, H. and Naderi, N. (2012). Analysis of the entrepreneurship education situation in higher education in Iran. *Scientific Research Quarterly of Entrepreneurship Development*, 4 (1), 87-106. [In Persian]

Shekari, A. and Hosseinpour, M. (2011). Contrasting approaches to quantitative and qualitative research in humanities and natural sciences: with an emphasis on integrated knowledge approach, 3(1), pp 51-74. [In Persian]

Shir, N., Nikolaev, Boris N. and Wincent, J. (2019). Entrepreneurship and well-being: The role of psychological autonomy, competence, and relatedness, *Journal of Business Venturing*, Available at: *journal homepage*: www.elsevier.com/locate/jbusvent.

Sultan, S.S. (2017). Moving from a Traditional into an Entrepreneurial University: Evidencing from Palestine. *International Journal of Business and Social Science*, 8(2): 207-214.

VarkianiPor, N., Hosseini, S.M., Samiee, R. and Shrafi M. (2019). Providing the Entrepreneurship Development Model Women with a sustainable rural development approach in Gulistan e Jauhar. *Researches in Geographical Sciences*, 19 (54), 147-166. [In Persian]

Zhou, M., and Xu, H. (2012). A Review of Entrepreneurship Education for College Students in China. *Adm Sci*, 2, 82-98.